

Probing the Potentials of Philosophy of Religion within Islamic Kalām: A Comparative Analysis of the Imāmī and Māturīdī Traditions

Hamid Falahati

Department of Islamic Teachings, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: h.falahati@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2025 April 26

Revised: 2025 August 1

Accepted: 2025 August 23

Published online:

Keywords:

Religious Rationality
Islamic Philosophy of Religion
Imami Theological School
Maturidi Theological School
Epistemological Methodology
of Religious Knowledge

ABSTRACT

This research aims to provide a comparative analysis of the structure of religious rationality in the two theological schools of Imamiyyah and Maturidiyyah, examining the layers of rationalism, religious epistemology, and the relationship between reason and revelation within these two traditions. The main issue addressed in this paper is to what extent each of these schools is capable of theorizing and reconstructing Islamic philosophy of religion within its own tradition. The research follows a descriptive-analytical method, utilizing primary theological sources, works of prominent thinkers from each school, and contemporary studies.

The findings of the study indicate that the rationality of the Imamiyyah school, by moving from inferential reason to philosophical reason and then to semiotic reason, presents a multi-layered and systematic model of religious reason, capable of conceptual analysis, reconstruction, and theorizing in philosophy of religion. In contrast, the rationality of the Maturidiyyah school is primarily based on innate and demonstrative reason, adopting a conservative and defensive approach in the field of conceptual analysis and philosophical interpretation of religious teachings. The theoretical contribution of this research is the design of two conceptual models for analyzing religious rationality in each school and the presentation of a final comparative table, which shows that the rationality of Imamiyyah, especially in confronting the challenges of contemporary philosophy of religion, has greater potential for conceptual systematization.

Cite this article: Falahati, Hamid. (2025). A Comparative Analysis of the Potentials of the Philosophy of Religion within the Framework of Islamic Theology: With Emphasis on the Imami and Maturidi Schools. *Philosophy of Religion*. . <http://doi.org/000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press

تحلیل تطبیقی ظرفیت‌های فلسفه دین در بستر علم کلام اسلامی؛ با تأکید بر مکاتب امامیه و

ماتریدیه

حمید فلاحتی

1. گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی 889-14665 تهران، ایران. رایانامه: h.falahati@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	متن چکیده پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی ساختار عقلانیت دینی در دو مکتب کلامی امامیه و ماتریدیه، به بررسی لایه‌های عقل‌گرایی، روش‌شناسی معرفت دینی و نسبت عقل و وحی در این دو سنت پرداخته است. مسئله اصلی مقاله آن است که هر یک از این مکاتب تا چه اندازه قابلیت نظریه‌پردازی و بازسازی فلسفه دین اسلامی را در درون سنت خود دارا هستند. پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اصلی کلامی، آثار متفکران برجسته هر مکتب، و مطالعات معاصر سامان یافته است.
تاریخ دریافت: 1404/2/6 تاریخ بازنگری: 1404/5/10 تاریخ پذیرش: 1404/6/1 تاریخ انتشار:	یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عقلانیت امامیه، با عبور از عقل استنباطی به عقل فلسفی و سپس عقل معناشناختی، الگویی چندلایه و نظام‌مند از عقل دینی ارائه می‌دهد که توان تحلیل، بازسازی مفهومی و نظریه‌پردازی در فلسفه دین را داراست. در مقابل، عقلانیت در مکتب ماتریدیه عمدتاً بر مبنای عقل فطری و اثباتی استوار است و در حوزه تحلیل مفاهیم و تفسیر فلسفی از آموزه‌های دینی، رویکردی محافظه‌کارانه و دفاعی اتخاذ می‌کند. دستاورد نظری پژوهش طراحی دو مدل مفهومی برای تحلیل عقلانیت دینی در هر مکتب و ارائه جدول تطبیقی نهایی است که نشان می‌دهد عقلانیت امامیه، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های فلسفه دین معاصر، از قابلیت بیشتری برای نظام‌سازی مفهومی برخوردار است.
کلیدواژه‌ها: عقلانیت دینی فلسفه دین اسلامی مکتب کلامی امامیه مکتب کلامی ماتریدیه روش‌شناسی معرفت دینی	
استناد: فلاحتی، حمید (1404). تحلیل تطبیقی ظرفیت‌های فلسفه دین در بستر علم کلام اسلامی؛ با تأکید بر مکاتب امامیه و ماتریدیه. <i>فلسفه دین</i> . http://doi.org/000000000000000000000000	
ناشر: دانشگاه تهران.	© نویسندگان.



تحلیل تطبیقی ظرفیت‌های فلسفه دین در بستر علم کلام اسلامی؛ با تأکید بر مکاتب امامیه و ماتریدیه

مقدمه

فلسفه دین به‌عنوان شاخه‌ای مستقل در منظومه تفکر دینی، با رویکردی عقلانی و تحلیلی به چیستی دین، مفاهیم بنیادین آن، ساختار باورهای دینی و نسبت دین با عقل می‌پردازد. برخلاف علم کلام که رسالت آن، دفاع درون‌دینی از آموزه‌های اعتقادی بوده، فلسفه دین تحلیلی بیرونی و عقلانی درباره مبانی، لوازم و ساختار باورهای دینی است. هرچند فلسفه دین در فضای فکری غربی تکوین یافته، اما بسیاری از مسائل آن — همچون خدا، وحی، معاد، معنانشناسی دین — در متون دینی و سنت‌های کلامی اسلامی نیز به‌نحوی طرح شده‌اند. (فیروزجایی، 1390: 88; Plantinga, 2000)

از این منظر، بررسی سنت‌های کلامی اسلامی از حیث ظرفیت‌هایشان برای مشارکت در تولید یا بازسازی فلسفه دین، ضرورتی پژوهشی و معرفت‌شناختی است. مکاتب امامیه و ماتریدیه، هر دو در میان مکاتب اسلامی، به عقلانیت به‌عنوان یکی از منابع فهم دین توجه داشته‌اند. با این حال، میزان، ساختار و کارکرد این عقلانیت در هر یک، متفاوت و گاه متعارض است. پرسش این پژوهش این است: ساختار عقل‌گرایی در دو مکتب امامیه و ماتریدیه چگونه قابل تحلیل است و تا چه حد می‌توان از دل این دو سنت، مدل‌هایی برای صورت‌بندی درون‌سنتی فلسفه دین اسلامی استخراج کرد؟

اهمیت این بررسی در آن است که می‌تواند به بازتعریف چارچوب‌های بومی برای تولید فلسفه دین منجر شود؛ چارچوبی که از سنت اسلامی ریشه می‌گیرد اما به زبان تحلیلی و علمی روز با آن مواجه می‌شود. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، و با تحلیل منابع اصیل کلامی و مطالعات معاصر، به بررسی سه شاخص عقل‌گرایی، روش‌شناسی معرفت دینی، و نسبت عقل و وحی در این دو مکتب می‌پردازد. در ادامه، با ارائه دو مدل مفهومی از عقل‌گرایی امامیه و ماتریدیه، امکان نظریه‌پردازی فلسفه دین درون‌سنتی در هر یک بررسی شده است.

۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - نظری، و از نظر شیوه اجرا، تحلیلی - تطبیقی است. در این مطالعه، ساختار عقلانیت دینی در دو مکتب امامیه و ماتریدیه با رویکرد تطبیقی بررسی شده است تا قابلیت آن‌ها در تولید یا بازسازی فلسفه دین اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و منابع پژوهش شامل متون کلامی اصلی (نظیر الذخیره، تجرید الاعتقاد، التوحید و العقائد النسفیة)، آثار متفکران معاصر هر مکتب، و مطالعات نظری مرتبط با فلسفه دین اسلامی بوده است.

تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل مفهومی و مدل‌سازی عقلانیت صورت گرفته است؛ به این معنا که سطوح عقل‌گرایی در هر مکتب (اثباتی، نظام‌ساز، معنانشناختی یا دفاعی) استخراج و مقایسه شده‌اند. همچنین با استفاده از روش مطالعه موردی، دو اثر شاخص از سنت امامیه تحلیل شده و در نهایت، یک جدول تطبیقی نهایی برای ارزیابی توان نظری هر مکتب در مواجهه با مسائل فلسفه دین طراحی شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش بر پایه سه شاخص تحلیل تطبیقی طراحی شده است که هم‌زمان نقش معیار مفهومی، چارچوب نظری و مبنای مدل‌سازی عقلانیت دینی را در دو مکتب امامیه و ماتریدیه ایفا می‌کنند. این سه شاخص، برگرفته از مباحث رایج در فلسفه دین اسلامی، معرفت‌شناسی دینی و روش‌شناسی کلام جدید، به‌ویژه در آثار معاصر چون رشاد (۱۳۹۱)، قراملکی (۱۳۷۵)، و رضایی (۱۳۸۵) هستند و به‌صورت ترکیبی، ظرفیت بررسی درونی و مقایسه‌ای دو مکتب را فراهم می‌کنند:

۲.۱. نسبت عقل و وحی

این شاخص ناظر به نوع رابطه‌ای است که میان عقل و وحی در ساختار معرفت دینی هر مکتب برقرار می‌شود. آیا عقل تابع، معارض، مفسر یا مکمل وحی است؟ این نسبت بر جهت‌گیری نظری هر سنت کلامی در تحلیل مفاهیم دینی، و همچنین بر امکان ورود آن به فلسفه دین معناشناختی یا صرفاً اثبات‌گر، تأثیر تعیین‌کننده دارد. (ر.ک: رشاد، ۱۳۹۱: ص ۱۴۳؛ فیروزجایی، ۱۳۹۰: ص ۲۲)

۲.۲. سطح عقل‌گرایی

این مؤلفه میزان عمق و لایه‌بندی عقل‌ورزی در هر مکتب را بررسی می‌کند. از عقل اصولی - استنباطی در مواجهه با متن، تا عقل تحلیلی و معناشناختی در بازسازی مفاهیم، این شاخص نشان می‌دهد که عقل در هر مکتب صرفاً در مقام اثبات باورهایست، یا توانایی تولید معرفت، تأویل و ساختاربندی دستگاه معرفتی دین را دارد. این تحلیل بر سنتی استوار است که در آثار متکلمان شیعه (مانند خواجه نصیر و علامه طباطبایی) و همچنین در گزارش‌هایی چون «فلسفه دین اسلامی» (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹) پیگیری شده است.

۲.۳. روش‌شناسی معرفت دینی

این شاخص بر شیوه تعامل عقل با متن دینی تمرکز دارد: آیا عقل در چارچوب اجتهاد اصولی، تحلیل فلسفی، تفسیر معنایی، یا دفاع عقلانی به‌کار می‌رود؟ نوع روش‌شناسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در امکان شکل‌گیری فلسفه دین بومی دارد. این مؤلفه با الهام از مباحث روش‌شناسی در فلسفه دین اسلامی معاصر (رضایی، ۱۳۸۵؛ رشاد، ۱۳۸۹) به تحلیل معرفتی مکاتب می‌پردازد.

در مجموع، این سه شاخص نه تنها امکان تحلیل درونی و لایه‌بندی عقلانیت هر مکتب را فراهم می‌کنند، بلکه چارچوبی تطبیقی و قابل تعمیم به دیگر سنت‌های اسلامی نیز در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. از این‌رو، چارچوب نظری این پژوهش، واجد رویکردی تحلیلی، تبیینی و مدل‌سازانه است و صرفاً در سطح توصیفی باقی نمی‌ماند.

۳. چیستی فلسفه دین و تفاوت آن با علم کلام

فلسفه دین، در معنای رایج آن در سنت تحلیلی غربی، شاخه‌ای از فلسفه است که به تحلیل عقلانی و برون‌دینی مفاهیم بنیادین دین می‌پردازد. مفاهیمی مانند وجود خدا، وحی، نبوت، معاد، زبان دین، عقلانیت ایمان و رابطه دین با اخلاق و علم از جمله محورهای اصلی این حوزه‌اند. (Swinburne, 2005؛ رشاد، ۱۳۸۹) در سال‌های اخیر، با رشد گرایش به فلسفه دین در میان اندیشمندان مسلمان، ایده «فلسفه دین اسلامی» نیز به‌عنوان شاخه‌ای بومی‌گرا و درون‌سنتی در حال تکوین است؛ یعنی رویکردی که ضمن بهره‌گیری از روش تحلیلی، به منابع و مبانی اسلامی وفادار می‌ماند و سعی دارد مسائل فلسفه دین را در افق فرهنگ دینی بومی بازسازی کند.

در مقابل، علم کلام اسلامی دانشی است که با هدف دفاع از باورهای دینی در برابر شبهات، با تکیه بر نقل و عقل، به اثبات اصول اعتقادی و تبیین آموزه‌های دینی می‌پردازد. تفاوت فلسفه دین و علم کلام، تنها در موضوعات مورد بررسی نیست، بلکه در نوع نگاه، روش‌شناسی، جایگاه عقل و سطح تحلیل نیز ریشه دارد.

نسبت این دو دانش را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

- از حیث موضوعات مشترک؛ هر دو به مفاهیمی چون خدا، وحی، و ایمان می‌پردازند؛

- از حیث روش؛ کلام رویکردی دفاع‌محور دارد و فلسفه دین رویکردی تحلیلی و سنجش‌گرانه؛
 - از حیث زاویه نگاه، کلام متعهد به آموزه‌های وحیانی است، ولی فلسفه دین از منظر عقل مستقل یا عقل دینی به تحلیل می‌پردازد. (فیروزجایی، ۱۳۹۰؛ رضایی، ۱۳۸۵)

با این تمایز، می‌توان بررسی کرد؛ آیا برخی مکاتب کلامی، به‌ویژه امامیه و ماتریدیه، توانسته‌اند فراتر از سطح دفاع از باور، به سطح تحلیل و سنجش عقلانی دین نیز وارد شوند؟ و اگر چنین است، چگونه می‌توان از دل سنت کلام اسلامی، فلسفه دینی بومی، روشمند و نظریه‌پردازانه استخراج کرد؟

برخی پژوهشگران تفاوت این دو دانش را در نوع نسبتشان با دین تبیین کرده‌اند؛ به‌طوری‌که فلسفه دین را دانشی «ناظر به دین بما هو دین» و کلام را دانشی «ناظر به دین خاص» دانسته‌اند (فیروزجایی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). همچنین گفته شده است که علم کلام در پی اقامه برهان برای دفاع از آموزه‌های دینی است، در حالی که فلسفه دین به سنجش عقلانی این آموزه‌ها می‌پردازد، حتی اگر نتیجه آن، ردّ یا تردید باشد. (قراملکی، ۱۳۷۵: ۵۷)

از حیث روش‌شناسی نیز، فلسفه دین بیشتر از الگوهای عقل تحلیلی و فلسفه زبانی بهره می‌برد، در حالی که علم کلام، به‌ویژه در سنت اسلامی، ترکیبی از عقل و نقل و حتی اشراق و شهود را در اختیار می‌گیرد. (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۴؛ بهشتی، ۱۳۸۲: ۵۰)

در یک مقایسه تحلیلی، می‌توان تفاوت‌های اصلی این دو دانش را چنین برشمرد:

مقایسه	فلسفه دین	علم کلام
جایگاه عقل	عقل مستقل و تحلیلی	عقل در خدمت نقل و دفاع از باور
نوع نگاه	برون‌دینی، تحلیلی و سنجش‌گر	درون‌دینی، اعتقادی و دفاعی
هدف	فهم ساختاری و منطقی باورها	اثبات حقانیت آموزه‌های دینی
روش	فلسفی، مفهومی، تحلیلی	استدلالی، نقلی، جدلی
مخاطب	عام فیلسوفان و پژوهشگران دین	مؤمنان، الهی‌دانان و دینداران

با این تفاوت‌ها، روشن می‌شود، فلسفه دین اسلامی نمی‌تواند صرفاً ادامه کلام سنتی باشد، بلکه نیازمند بازاندیشی در مبانی معرفتی، رویکرد عقلانی، و کارکرد عقل در نسبت با وحی است. از همین‌رو، پرسش محوری این پژوهش نیز ناظر به آن است که آیا عقلانیت موجود در مکاتب کلامی اسلامی، به‌ویژه امامیه و ماتریدیه، قابلیت لازم برای مشارکت فعال در پروژه بازسازی فلسفه دین اسلامی را دارد یا خیر.

۴. جریان‌شناسی فلسفه دین در مکاتب کلامی اسلامی

هرچند عنوان «فلسفه دین» در سنت اسلامی به‌مثابه دانشی مستقل و متمایز مطرح نبوده، اما مفاهیم بنیادین آن —از قبیل عقلانیت ایمان، امکان شناخت خدا، نسبت عقل و وحی، معناشناسی گزاره‌های دینی و تفسیر وحی— در آثار متکلمان مسلمان، به‌ویژه در مکاتب عقل‌گرا، به‌نحو قابل توجهی حضور دارد. این مسائل، اگرچه بیشتر در چارچوب دفاع از باورهای دینی و نه از منظر تحلیلی فلسفی بررسی شده‌اند، اما در برخی متون کلیدی، ساختارهایی عقل‌محور نیز قابل شناسایی است (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق؛ طوسی، ۱۳۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۰۴ق؛ ماتریدی، ۱۴۲۷ق).

پژوهشگران معاصر با بازخوانی این ظرفیت‌ها، به تمایز میان کلام و فلسفه دین پرداخته‌اند. قراملکی (۱۳۷۵) با تفکیک روش‌شناختی میان کلام جدید و فلسفه دین، بر امکان گفت‌وگوی نظری میان آن‌ها در فضای درون‌سنتی تأکید کرده است. رشاد (۱۳۹۱) نیز با رویکردی تأسیسی، فلسفه دین اسلامی را دانشی مستقل، اما متصل به وحی، و متکی بر مبانی معرفتی اسلامی معرفی کرده است. همچنین، فیروزجایی (۱۳۹۰) نشان داده که بخش بزرگی از

مسائل مطرح شده در فلسفه دین، در دل منابع دینی مسلمانان، خصوصاً آثار کلامی، قابل بازسازی و تحلیل عقلانی است.

در میان مکاتب کلامی اسلامی، امامیه و ماتریدیه ظرفیت قابل توجهی برای این بازخوانی دارند. مکتب امامیه، با سیر عقل گرایی از سطح اصول فقهی و کلامی (در آثار شیخ مفید و سید مرتضی) به عقل فلسفی (در نظام خواجه نصیر) و سپس عقل معناشناختی و تفسیری (در تفسیر المیزان علامه طباطبائی)، زمینه‌ی مناسبی برای ارائه‌ی قرائتی درون سنتی از فلسفه دین اسلامی فراهم کرده است. (مطهری، ۱۳۷۰؛ طباطبائی، ۱۴۰۴ق)

ماتریدیه نیز اگرچه در تقابل با ظاهرگرایی اشاعره، به حجیت عقل در اصول دین تصریح می‌کند، اما در حوزه‌ی روش‌شناسی و معناشناسی دینی، بیشتر به عقل فطری و دفاعی اکتفا می‌کند. در آثار کلیدی این مکتب همچون التوحید ماتریدی، شرح العقائد النسفیة و تبصره الأدله، کارکرد عقل بیشتر به اثبات اصول اعتقادی محدود شده و تأکید بر تقدم نقل و محدودیت تأویل، مانعی برای گسترش عقلانیت معناشناختی به‌شمار می‌رود. (ماتریدی، ۱۴۲۷ق؛ تفتازانی، بی‌تا؛ نسفی، بی‌تا)

در نتیجه، جریان‌شناسی فلسفه دین در مکاتب کلامی اسلامی نه تنها باید ناظر به سیر تاریخی اصطلاحات و مفاهیم باشد، بلکه ضروری است که تحلیل ساختار عقل گرایی و روش مواجهه با وحی در هر مکتب نیز مورد توجه قرار گیرد. مقاله‌ی حاضر با تمرکز بر امامیه و ماتریدیه، نشان می‌دهد که گرایش اول، از نظر ظرفیت عقل‌ورزی و مدل‌سازی مفهومی، بستر مناسب‌تری برای نظریه‌پردازی در حوزه‌ی فلسفه دین اسلامی فراهم کرده است.

۵. جریان‌شناسی فلسفه دین در مکتب امامیه

مکتب امامیه از نخستین دوره‌های شکل‌گیری، عقل را نه تنها در مقام اثبات اصول اعتقادی، بلکه به مثابه ابزاری فعال در فرآیند فهم، تفسیر و بازسازی مفاهیم دینی تلقی کرده است. این نگرش عقل‌گرایانه، طی قرون مختلف، دچار تحولاتی درونی شده که به تدریج لایه‌هایی از عقلانیت را در ساختار معرفت دینی امامیه پدید آورده است. این سیر تاریخی، دست‌کم در سه سطح قابل تحلیل است که هر یک، نمایانگر ظرفیت متمایز این مکتب در ورود به عرصه فلسفه دین اسلامی است.

۵.۱. عقل اصولی - استنباطی: از حجیت عقل تا تأویل نص

در قرون نخست، متکلمان چون شیخ مفید و سید مرتضی، با تأکید بر استقلال عقل در اثبات اصول دین و اولویت آن بر نقل ظنی، زمینه‌ساز تفسیری عقل‌گرا از دین شدند. در آثار آنان، عقل با کارکردی تأویلی، معیار پذیرش یا رد ظاهر آیات و روایات تلقی می‌شود. نگاه سید مرتضی به تعارض عقل و نقل، و تلاش او برای ارائه نظامی درون دینی اما عقل‌محور، نمونه‌ای از این سطح عقل‌گرایی است (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق). در این مرحله، عقل بیشتر نقش تفسیرگر سنت و تنظیم‌کننده قواعد فهم وحی را ایفا می‌کند.

۵.۲. عقل فلسفی - نظام‌ساز: ورود به برهان و ساختار مفهومی

با ورود آموزه‌های فلسفه مشائی و اشراقی به قلمرو فکری شیعه، خواجه نصیرالدین طوسی عقل را به‌عنوان ابزار ساختاری بخش به‌کار گرفت. تجرید الاعتقاد او، در کنار شروح و نقدهای بعدی، تلاش داشت تا نظامی عقلانی، فلسفی و متصل به سنت دینی برای الهیات اسلامی فراهم آورد. عقل در این مرحله، نه فقط داور تعارض‌ها، بلکه بنیان‌گذار ساختار منطقی مفاهیم دینی می‌شود. مفاهیمی همچون واجب‌الوجود، عدل الهی، و معاد، در قالب مفاهیم فلسفی صورت‌بندی شده‌اند. (طوسی، ۱۳۵۹؛ مطهری، ۱۳۷۰)

۵,۳. عقل تفسیری - معناشناختی: از تحلیل مفاهیم تا بازسازی دستگاه معرفتی

در دوره معاصر، علامه طباطبایی با روش تفسیری - موضوعی و نگاهی تأویلی، عقل را وارد ساحت معناشناسی دین کرد. تفسیر المیزان، با تلفیق داده‌های نقلی، برهانی و شهودی، نمایانگر تحول عقل از داور و ساختاربخش، به ابزار بازسازی مفاهیم بنیادی دین است. عقل در این مرحله، بر استخراج نظام مفهومی از متن وحی تمرکز دارد و با هدفی معناشناختی و نظریه‌پردازانه، مفاهیمی مانند توحید، وحی و معاد را بازخوانی می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۰۴ق)

۵,۴. عقل تأسیسی - فلسفه‌پرداز: نهادینه‌سازی فلسفه دین در سنت امامیه

در دهه‌های اخیر، برخی متفکران امامی، به‌صورت صریح‌تر، به تبیین و تولید فلسفه دین اسلامی پرداخته‌اند. آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی با تألیف آثاری چون فلسفه اخلاق (مصباح یزدی، ۱۳۹۰) و سخنرانی‌های متعدد درباره نسبت دین و فلسفه، بر ضرورت تبیین فلسفی آموزه‌های اسلامی و تولید فلسفه دین درون‌بنیاد تأکید کرده است. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹)

همچنین آیت‌الله جوادی آملی در اثر دین‌شناسی، با تبیین نظام‌وار مباحثی مانند چیستی دین، زبان دین، نسبت دین و عقل، پلورالیسم دینی و... کوشیده است تا فلسفه دین اسلامی را در افق عقلانیت امامیه بازسازی کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۸)

۵,۵. بازتاب عقلانیت کلامی امامیه در آثار شاخص سنتی

برای فهم ژرفای ظرفیت عقلانی در سنت امامیه و نسبت آن با فلسفه دین، تحلیل تطبیقی دو اثر شاخص از دو دوره کلام امامیه ضروری است: علل الشرایع اثر شیخ صدوق (قرن ۴ق) و تجرید الاعتقاد اثر خواجه نصیرالدین طوسی (قرن ۷ق). این دو اثر، دو گونه متمایز از عقل‌ورزی دینی را بازتاب می‌دهند که یکی ناظر به حکمت‌محوری در فهم تشریع، و دیگری معطوف به بازسازی مفهومی گزاره‌های دینی است.

- علل الشرایع: روایت‌گرایی عقل‌محور در تبیین فلسفه احکام

شیخ صدوق، از متکلمان محدث‌گرای شیعه، در این اثر کوشیده است از طریق نقل روایات ناظر به «علل و حکمت احکام»، سطحی از عقلانیت را در متن دین آشکار سازد. پرسش محوری او نه «چیستی حکم»، بلکه «چرایی آن» است. با وجود ساختار روایی، این اثر بر نوعی عقل‌گرایی کارکردی مبتنی است که از عقل عملی برای درک انگیزه‌ها، غایات و پیامدهای تشریعی بهره می‌گیرد.

به‌طور مثال، در باب علت روزه، به تقویت اراده، احساس همدردی اجتماعی و تهذیب نفس اشاره می‌شود (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۱۷)، که همگی نشان از عقلانیت ارزش‌محور دارد. این جهت‌گیری را می‌توان مقدمه‌ای برای ظهور «فلسفه دین اخلاقی - کاربردی» در سنت امامیه دانست. در چارچوب این مقاله، علل الشرایع از منظر شاخص سوم، (نسبت عقل و وحی) نمونه‌ای از تعامل عقل تفسیری با نقل است.

- تجرید الاعتقاد: تحلیل مفهومی و برهانی آموزه‌های کلامی

خواجه نصیر، با سابقه‌ای فلسفی - منطقی، کوشید آموزه‌های ایمانی شیعه را در ساختاری عقلانی صورت‌بندی کند. تجرید اگرچه در حوزه علم کلام طبقه‌بندی می‌شود، اما رویکرد آن به شدت فلسفی است. در اثبات توحید، نبوت، امامت و معاد، استدلال‌هایی به کار می‌برد که هم از حیث صوری (مقدمه‌چینی برهانی) و هم از حیث مفهومی (شفاف‌سازی اصطلاحات) واجد عقل‌گرایی فلسفی است. (طوسی، ۱۳۵۹: ۴۵)

به‌ویژه در بحث عدل، او با بهره‌گیری از اصل حسن و قبح عقلی، ساختاری از عدالت الهی ترسیم می‌کند که هم به نظریه اختیار انسان معنا می‌بخشد و هم زمینه‌ساز فلسفه اخلاق اسلامی می‌شود. از منظر این پژوهش، تجرید از نظر هر سه شاخص مقاله واجد امتیاز است: سطح بالای عقل‌گرایی، روش تحلیلی برهانی، و تأکید بر عقل مستقل در فهم دین.

حاصل آن‌که؛ این دو اثر، دو سنخ عقل‌ورزی مکمل در سنت امامیه‌اند:

- یکی با عقل عملی و غایت‌محور، به کارکرد احکام و تجربه دینداری می‌پردازد؛

- دیگری با عقل نظری و برهانی، به تحلیل ساختاری مفاهیم دینی روی می‌آورد.

این تنوع و تکامل در عقل‌گرایی دینی، از نقاط قوت مکتب امامیه در تکوین فلسفه دین اسلامی به‌شمار می‌رود؛ زیرا هم در ساحت معناشناسی دینی و هم در سطح معرفت‌شناسی باور دینی، تحلیل‌هایی نظام‌مند ارائه کرده است. جمع‌بندی تحلیلی:

تحلیل تاریخی - مفهومی عقلانیت دینی در مکتب امامیه، نشان می‌دهد که این مکتب، نه تنها عقل را به‌عنوان منبعی معتبر در کنار وحی پذیرفته، بلکه به تدریج از عقل ابزارمحور به عقل نظام‌ساز، و از عقل استنباطی به عقل معناکو و نظریه‌پرداز ارتقا یافته است. این عقل‌گرایی نه صرفاً در مقام دفاع از دین، بلکه در مقام تولید معرفت دینی و بازسازی ساختارهای مفهومی آن نقش ایفا کرده است.

در این مسیر، چهار مرحله مهم قابل تفکیک است:

- عقل اصولی و تأویلی متجلی در آثار متکلمانی چون سید مرتضی؛

- عقل فلسفی و ساختاربخش در سنت خواجه نصیرالدین طوسی؛

- عقل معناشناختی و تفسیری در تفسیر علامه طباطبایی؛

- و سرانجام، عقل تأسیسی و فلسفه‌پرداز در تلاش‌های نظری متفکرانی چون مصباح یزدی و جوادی آملی.

در این چهار مرحله، عقل در مکتب امامیه، از ابزاری برای توجیه باورهای سنتی، به معیاری برای بازاندیشی، سامان‌دهی، و معناشناسی آموزه‌های دینی ارتقا یافته است. این سیر، ظرفیتی کم‌نظیر را برای تأسیس «فلسفه دین اسلامی» درون سنتی فراهم کرده است؛ فلسفه‌ای که نه از طریق ترجمه مفاهیم غربی، بلکه از دل عقلانیت بومی و درون‌زاد برمی‌خیزد.

در نتیجه، می‌توان مکتب امامیه را واجد عقلانی‌ترین چارچوب در میان مکاتب کلامی اسلامی دانست؛ چارچوبی که امکان نظریه‌پردازی در حوزه فلسفه دین اسلامی را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که از یک سو به مبانی وحیانی وفادار است، و از سوی دیگر، توان گفت‌وگو با فضای فلسفه معاصر را دارد. این مکتب، برخلاف نگاه محافظه‌کارانه برخی جریان‌های کلامی، در صدد بازسازی دین در چارچوب عقلانیت اسلامی است، نه صرفاً در دفاع از آن.

۶. جریان‌شناسی فلسفه دین در مکتب ماتریدیه

مکتب ماتریدیه، به‌عنوان شاخص‌ترین نحله عقل‌گرای اهل سنت، در تلاش بوده است تا میان عقل و وحی، و میان ایمان و استدلال عقلی، نوعی توازن برقرار سازد. عقل در این مکتب، به‌ویژه در اصول دین، به مثابه ابزار معرفتی معتبر

شناخته شده، اما در مقام تفسیر فروع و تحلیل مفاهیم دینی، همواره مقید به چارچوب‌های نقلی باقی مانده است. بازخوانی روند تاریخی عقل‌گرایی در این مکتب، سه مرحله مشخص را برجسته می‌سازد:

۶,۱. عقل اثباتی - فطری:

در دوره نخست، که با آراء ابومنصور ماتریدی شناخته می‌شود، عقل دارای استقلال نسبی در شناخت خدا، اثبات صفات الهی و ضرورت بعثت انبیا تلقی شده است. در کتاب التوحید، ماتریدی با بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی، به تبیین اصول عقاید پرداخته است. این نگرش را می‌توان آغازگر عقلانیت اثبات‌گر در سنت ماتریدیه دانست که در آن عقل مقدم بر نقل، اما محدود به حوزه اثبات است (ماتریدی، ۱۴۲۷ق: صص ۱۱۷-۱۳۵).

۶,۲. عقل دفاعی - محافظه‌کار:

در دوره دوم، با تألیفات شارحان متأخر مانند نسفی و تفتازانی، عقل بیشتر در موضع دفاع از باورهای تثبیت‌شده قرار می‌گیرد. آثار آنان همچون شرح العقائد النسفیة، ضمن پذیرش کارکرد عقل در اصول، از هرگونه تأویل یا بازسازی مفهومی پرهیز کرده و نقل را در مقام داوری نهایی حفظ می‌کنند (تفتازانی، بی‌تا: صص ۱۲۲-۱۳۰). در این سطح، عقل نقاد و نوآور نیست، بلکه حافظ سنت است.

۶,۳. عقل تنظیم‌گر تابع نقل:

در دوره‌های متأخر، عقل صرفاً در مقام تنظیم‌کننده تعارضات ظاهری میان عقل و نقل ظاهر می‌شود. این عقل، محدود به تعیین حدود فهم است و در برابر وحی، نقش ابزار تأویل محدود را دارد. تقدم نقل بر عقل در فروع، و احتیاط در تأویل، مشخصه اصلی این مرحله است (نسفی، بی‌تا: صص ۲۸-۳۵).

جمع‌بندی

سیر عقل‌گرایی در ماتریدیه نشان می‌دهد که اگرچه عقل در این مکتب پذیرفته شده، اما همواره در نسبت با سنت نقلی محدود بوده است. این محدودیت، گرچه موجب انسجام سنتی آموزه‌ها شده، مانعی بر سر راه ورود به حوزه‌های نوین فلسفه دین پدید آورده است.

۷. تحلیل مدل عقل‌گرایی ماتریدیه در نسبت با فلسفه دین اسلامی

با تکیه بر تحلیل تاریخی ارائه‌شده در بخش پیش، اکنون می‌توان مدل عقلانیت دینی در مکتب ماتریدیه را در نسبت با فلسفه دین اسلامی واکاوی کرد. فلسفه دین، در سطح نظری، نیازمند عقل معناکاو، تبیین‌گر و نظام‌ساز است؛ عقلی که نه تنها به اثبات اصول بپردازد، بلکه توانایی تحلیل زبان دین، بازخوانی مفاهیم وحیانی، و سامان‌دهی معرفت دینی را نیز دارا باشد.

در این چارچوب، سه مؤلفه کلیدی در عقلانیت ماتریدیه قابل تفکیک است:

۷,۱. عقل اثباتی - فطری:

ماتریدیان با تأکید بر نقش عقل در اثبات وجود خدا و درک حسن و قبح افعال، به عقل جایگاهی اصیل در اصول دین می‌دهند. این نگرش، به‌ویژه در آثار ابومنصور ماتریدی، مبنای استدلال برای لزوم نبوت و صفات الهی است (ماتریدی، ۱۴۲۷ق). این بعد از عقل، با بخش اثباتی فلسفه دین همخوان است، ولی در همین سطح باقی می‌ماند.

۷,۲. عقل تفکیکی و حوزه‌مند:

در مدل معرفتی ماتریدیه، تفکیک میان اصول و فروع جایگاه ویژه دارد. عقل در حوزه اصول دین حجت است، اما در فروع، صرفاً تابع نقل است. این تفکیک، با آن که سامان درونی دارد، مانع از شکل‌گیری نظریه‌پردازی یکپارچه درباره دین می‌شود و امکان ورود به مباحث فلسفه دین تحلیلی را محدود می‌سازد.

۷,۳. عقل دفاعی و محافظه‌کار:

در این مکتب، عقل عمدتاً در مقام تدافع قرار دارد؛ یعنی از آموزه‌های سنتی دفاع می‌کند، نه آن‌ها را بازسازی یا تحلیل فلسفی می‌نماید. در نتیجه، بسیاری از حوزه‌های کلیدی فلسفه دین معاصر مانند زبان دین، تجربه دینی، یا معناشناسی وحی، در این مکتب مغفول مانده‌اند.

جمع‌بندی:

مدل عقلانیت ماتریدیه را می‌توان «سه‌سطحی» اما محافظه‌کار دانست:

- عقل در مقام اثبات اولیه (اصول دین) فعال است،

- در فروع تابع نقل،

- و در تبیین مفاهیم، محتاط و غیرفعال.

بنابراین، مشارکت مکتب ماتریدیه در فلسفه دین اسلامی عمدتاً در حوزه فلسفه دین اثباتی معنا می‌یابد، اما فاقد زمینه لازم برای معناکاوی، بازسازی نظری و زبان‌شناسی دین است.

جدول تطبیقی عقل‌گرایی ماتریدیه در نسبت با فلسفه دین

ساحت عقلانیت	نمایندگان کلیدی	ویژگی‌های معرفت‌شناختی	سطح تحلیل‌پذیری فلسفی	نسبت عقل و نقل	کارکرد در فلسفه دین اسلامی
عقل اثباتی - فطری	ابومنصور ماتریدی	اثبات اصول دین، مقدم بر وحی	پایین تا متوسط	عقل در اصول، نقل در فروع	تولید فلسفه دین اثباتی در حوزه خداشناسی و نبوت
عقل تفکیکی - حوزه‌مند	نسفی، بخاری، سلمی	تفکیک میان اصول و فروع، تلفیق مشروط	متوسط	تقدم نقل در شریعت	دفاع عقلانی از آموزه‌های سنتی بدون بازسازی مفهومی
عقل محافظه‌کار	تفتازانی و شارحان متأخر	عقل در خدمت حفظ سنت، اجتناب از تأویل	بسیار پایین	عقل تابع مطلق سنت	توجیه آموزه‌ها، غیرفعال در معناشناسی یا زبان دین

۸. الگوی پیشنهادی برای بازسازی فلسفه دین اسلامی بر پایه عقلانیت امامیه

تحلیل تطور تاریخی عقلانیت دینی در مکتب امامیه نشان می‌دهد که این مکتب توانسته است در مسیر قرون، عقل را از سطح ابزار اثبات و استنباط، به ابزار تحلیل، معنانشناسی و در نهایت تأسیس نظریه فلسفه دین ارتقا دهد. در پرتو این سیر، می‌توان الگویی چهارلایه برای بازسازی فلسفه دین اسلامی در چارچوب عقلانیت امامیه پیشنهاد کرد. این لایه‌ها، بر پایه آثار شاخص متفکران امامی، به شرح زیر تبیین می‌شوند:

مقاله پذیرش شده

۸،۱. عقل استنباطی - اصولی (قرون ۴ و ۵)

این لایه در آثار متکلمانی چون شیخ مفید و سید مرتضی تبلور یافته است. عقل در این مرحله، نقش داور در اصول دین، ابزار تأویل متون دینی و معیار شناخت حسن و قبح افعال را ایفا می‌کند. سید مرتضی در الذخیره، با تأکید بر حجیت عقل، بنیان عقل‌گرایی تأویلی درون‌سنتی را پی‌ریزی می‌کند (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۲۰۵). این لایه، عقل را در جایگاه اجتهاد در اصول اعتقادی قرار می‌دهد.

۸،۲. عقل فلسفی - تحلیلی (قرون ۶ تا ۸ق)

در این دوره، با ورود آموزه‌های فلسفی و حکمی به دستگاه کلامی، عقل نقش ساختاردهنده و تبیین‌گر به خود می‌گیرد. خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید الاعتقاد، مفاهیمی چون توحید، نبوت، عدل و معاد را با استدلال‌های فلسفی صورت‌بندی کرده است (طوسی، ۱۳۵۹: ۴۵). عقل در این سطح، مستقل از نقل، توانایی تحلیل مفهومی و تبیین معقولیت آموزه‌های ایمانی را داراست. این مرحله، بستر ساز ورود امامیه به فلسفه دین اثباتی و برهانی است.

۸،۳. عقل تفسیری - معناشناختی (دوران معاصر: طباطبایی و مطهری)

در این مرحله، عقل نه تنها داور و تحلیل‌گر، بلکه معناکاو و نظام‌ساز است. علامه طباطبایی در المیزان و اصول فلسفه و روش رئالیسم، به‌ویژه در مباحثی چون معناداری دین، رابطه عقل و ایمان، و ساختار معرفت دینی، عقل را به‌عنوان ابزار تفسیر و بازسازی معرفتی به‌کار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۸۵). شهید مطهری نیز در آثار متعددی مانند عدل الهی، عقل را به خدمت تحلیل فلسفی و اجتماعی آموزه‌های دینی درمی‌آورد. این مرحله، پایه‌گذار ورود امامیه به فضای فلسفه دین معناشناختی و تفسیری است.

۸،۴. عقل تأسیسی - نظریه‌پرداز (سه دهه اخیر)

در دهه‌های اخیر، متفکرانی مانند آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی، عقل را از مرحله بازسازی مفاهیم سنتی فراتر برده‌اند و به تأسیس فلسفه دین اسلامی با چارچوب درون‌سنتی روی آورده‌اند. مصباح یزدی در آثار فلسفی و کلامی خود، از جمله «فلسفه اخلاق»، به دنبال طراحی ساختار فلسفی اسلامی مبتنی بر عقل دینی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰)

جوادی آملی نیز در دین‌شناسی با بحث‌هایی مانند چیستی دین، زبان دین، پلورالیسم و عقلانیت وحی، گامی فراتر از تفسیر مفاهیم برداشته و فلسفه دین را به‌مثابه دانشی تأسیسی و بومی ارائه کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸) این لایه عقلانی، تلاش دارد فلسفه دین اسلامی را نه از طریق ترجمه و اقتباس، بلکه از درون عقل‌گرایی امامیه طراحی و

تدوین کند.

جمع‌بندی

الگوی چهارلایه عقلانیت امامیه در نسبت با فلسفه دین، نشان‌دهنده ظرفیت رو به‌رشدی است که از استنباط عقلی تا نظریه‌پردازی فلسفی گسترده شده است. این الگو می‌تواند به‌مثابه مدل مفهومی برای بازسازی فلسفه دین اسلامی در بستر سنت بومی - شیعی مورد استفاده قرار گیرد؛ فلسفه‌ای که نه صرفاً دفاع از آموزه‌ها، بلکه بازآفرینی و نظریه‌پردازی درون‌سنتی را هدف قرار داده است.

جدول تطبیقی عقل‌گرایی سه‌لایه‌ای در مکتب امامیه

ساحت عقلانیت	نمایندگان کلیدی	ویژگی‌های معرفت‌شناختی	سطح تحلیل‌پذیری فلسفی	نسبت عقل و وحی	کارکرد در فلسفه دین اسلامی	سطح مشارکت در فلسفه دین
عقل استنباطی - اصولی	شیخ مفید، سید مرتضی	عقل داور اصول دین، تأویل‌پذیر، اجتهادی	متوسط	عقل مکمل و مستقل در اصول	تبیین عقل‌گرایی در استنباط دینی و تحلیل هنجاری باورهای بنیادین	عقل دینی سنتی - تفسیری
عقل فلسفی - تحلیلی	خواجه نصیر، علامه حلی	فلسفه‌محور، تحلیلی، برهانی	بالا	عقل مستقل در اثبات و شرح	صورت‌بندی فلسفی آموزه‌های توحید، عدل، معاد؛ تبیین برهانی مفاهیم دینی	فلسفه دین اثباتی - منطقی
عقل معناشناختی - نظام‌ساز	علامه طباطبایی، مطهری	معناکاو، تأویلی، نظام‌ساز، بومی	بسیار بالا	عقل ناظر و هماهنگ با وحی	بازسازی مفاهیم وحیانی، طراحی نظام معرفتی دینی، تعامل با فلسفه دین معاصر	فلسفه دین معناشناختی
عقل تأسیسی - نظریه‌پرداز	جوادی آملی، مصباح یزدی، رشاد	نظریه‌پرداز، مدل‌ساز، بر پایه عقل دینی	بسیار بالا	عقل مؤسس در چارچوب وحی	طراحی فلسفه دین اسلامی با چارچوب	فلسفه دین تأسیسی و نوین

	درون سنتی		درون زاد، بازتعریف زبان دین و پرسش‌های معاصر	
--	-----------	--	--	--

۹. جمع‌بندی تطبیقی: عقلانیت دینی در امامیه و ماتریدیه در افق فلسفه دین اسلامی

تحلیل تطبیقی عقل‌گرایی در دو مکتب امامیه و ماتریدیه نشان می‌دهد که هر دو سنت، عقل را در اصول دین به رسمیت می‌شناسند، اما در عمق کارکرد معرفتی، روش‌شناسی تأویلی و ظرفیت نظریه‌پردازی، تفاوت‌های بنیادینی دارند. در حالی که ماتریدیه عقل را عمدتاً در مقام اثبات‌گر باورهای اعتقادی و مدافع آموزه‌های سنتی به کار می‌گیرد، مکتب امامیه با سیر تطوری از عقل اصولی تا عقل تأسیسی، به تدریج از عقل ابزاری به عقل سازنده و معنابخش ارتقا یافته است.

در ماتریدیه، مدل عقلانیت سه‌لایه (اثباتی - تفکیکی - محافظه‌کار) حاکی از آن است که هرچند عقل در اثبات وجود خدا و ضرورت نبوت نقش دارد، اما در حوزه فهم متن، معناشناسی مفاهیم دینی و بازسازی ساختار معرفتی دین، نقشی محدود و تابع وحی دارد. عقل در این مکتب، نهایتاً در خدمت حفظ سنت باقی می‌ماند و توان تبیین مسائل نوین فلسفه دین را به صورت مستقل ندارد.

در مقابل، مکتب امامیه با مدل عقلانیت چهارلایه (استنباطی - تحلیلی - معناشناختی - تأسیسی)، نه تنها عقل را در مقام تأویل و تحلیل به کار می‌گیرد، بلکه آن را به ابزار بازتعریف مفاهیم و حیانی و طراحی نظریه‌ای مستقل برای فلسفه دین اسلامی تبدیل می‌کند. این مسیر از سید مرتضی تا علامه طباطبائی، و از خواجه طوسی تا متفکران معاصر چون مصباح یزدی و جوادی آملی، نشان‌دهنده تحول عقل از ابزار نقلی به عامل نظریه‌پردازی در سنت امامیه است.

بنابراین، عقل‌گرایی امامیه نسبت به ماتریدیه، نه تنها در سطح، بلکه در نوع نیز متفاوت است: عقل در امامیه توانایی ورود به مباحث معناشناسی دین، فلسفه زبان دین، عدالت، عقلانیت ایمان و بومی‌سازی فلسفه دین را داراست؛ در حالی که عقل در ماتریدیه، اساساً در حد دفاع از باورهای تثبیت‌شده باقی می‌ماند.

به طور خاص، عقل تأسیسی در سنت امامیه، زمینه را برای تدوین فلسفه دین اسلامی درون‌سنتی فراهم می‌کند؛ فلسفه‌ای که نه صرفاً در پاسخ به شبهات معاصر، بلکه در تولید معرفت دینی جدید و نظریه‌پردازی بومی نقش ایفا می‌کند. این ظرفیت در مکتب ماتریدیه، اگرچه در مرحله اثباتی قابل استفاده است، اما برای ورود به لایه‌های معناشناختی و نظام‌سازی فلسفی، نیازمند تحولی درونی و گسست از رویکرد محافظه‌کارانه است.

در جدول زیر، مقایسه تطبیقی عقلانیت دینی در این دو مکتب ارائه شده است

ملاک تطبیق	مکتب امامیه	مکتب ماتریدیه
ساحت عقلانیت	چهارلایه: استنباطی، تحلیلی، معناشناختی، تأسیسی	سه‌لایه: اثباتی، تفکیکی، محافظه‌کار
نقش عقل در اصول دین	مستقل، داور، تأویل‌پذیر، نظریه‌پرداز	معتبر ولی محدود، صرفاً اثباتی

نقش عقل در فروع دین	مشارکت تحلیلی و تفسیری، مکمل وحی	تابع کامل نقل، تفکیک حوزه‌های
روش‌شناسی معرفت دینی	ترکیبی از اجتهادی، فلسفی، معناشناختی و مدل‌پرداز	اصولی - اثباتی، محافظه‌کار، کم‌تحلیل
رابطه عقل و وحی	عقل ناظر، همکار و تأسیس‌گر در کنار وحی	عقل تابع، با اولویت مطلق نقل
نوع فلسفه دین قابل تولید	اثباتی + تحلیلی + معناشناختی + تأسیسی، مبتنی بر سنت بومی	صرفاً اثباتی و دفاعی، فاقد نظریه‌پردازی مستقل
نمونه آثار معرفتی	الذخیره، تجرید الاعتقاد، المیزان، فلسفه اخلاق، دین‌شناسی	التوحید، شرح العقائد النسفیة، تبصره الأدله
سطح تعامل با فلسفه دین معاصر	بالا؛ امکان گفت‌وگوی زبانی و مفهومی با فلسفه دین غربی	پایین؛ محدود به دفاع سنتی، ناتوان در بازسازی مفاهیم
سطح مشارکت نظری در فلسفه دین اسلامی	تأسیسی، نظام‌ساز، قابل گسترش به زبان بومی فلسفه دین	مقدماتی، اثبات‌گرا، غیرنظام‌ساز

نتیجه آن‌که، عقلانیت دینی در مکتب امامیه با عبور از مراحل استنباطی، تحلیلی، معناشناختی و تأسیسی، ظرفیتی منحصربه‌فرد برای تولید فلسفه دین اسلامی درون‌سنتی فراهم آورده است. در این مکتب، عقل نه تنها ابزار فهم و داوری در اصول دین است، بلکه به مثابه سازوکاری فعال برای بازسازی مفاهیم و حیانی، طراحی نظریه‌های معرفتی، و معناپردازی بومی در نسبت با سنت اسلامی ایفای نقش می‌کند. چنین سطحی از عقل‌گرایی، امامیه را به یکی از معدود مکاتب اسلامی بدل کرده است که می‌تواند از درون‌مایه کلامی خویش، مدلی نظری برای فلسفه دین اسلامی ارائه دهد؛ مدلی که از دفاع سنتی فراتر رفته و وارد ساحت تأسیس معرفتی و تعامل فلسفی با جهان معاصر می‌شود.

در نقطه مقابل، مکتب ماتریدیه با تکیه بر عقل اثباتی و تفکیکی و در چارچوب رویکرد محافظه‌کار، بیشتر در سطح تثبیت باورهای اعتقادی و دفاع عقلانی از آموزه‌های سنتی باقی مانده است. عقل در این مکتب عمدتاً در خدمت اثبات و تأیید گزاره‌های پیشینی قرار دارد و به دلیل تقدم نقل بر تأویل عقلانی، امکان بسط معناشناختی و نظریه‌پردازی فلسفی محدود می‌گردد. به بیان دیگر، عقلانیت ماتریدیه با وجود انسجام در اصول، فاقد ظرفیت ساختاربندی مستقل در حوزه فلسفه دین تحلیلی و معناشناختی است.

بر این اساس، پیشنهاد نظری این پژوهش آن است که در مسیر بازسازی و بومی‌سازی فلسفه دین اسلامی، می‌توان بر اساس الگوی عقلانیت امامیه، مدلی نظری، ساختارمند و قابل توسعه طراحی کرد؛ الگویی که در عین وفاداری به سنت و حیانی، ظرفیت تعامل با نظام‌های فلسفی معاصر را نیز داراست. در عین حال، عقلانیت ماتریدیه می‌تواند به عنوان نیروی مکمل در ساحت فلسفه دین اثباتی و دفاع عقلانی، در پاره‌ای از حوزه‌ها نقش پشتیبان ایفا کند.

۱۰. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی ساختار عقلانیت دینی در دو مکتب کلامی امامیه و ماتریدیه، نشان داد که علی‌رغم اشتراک این دو مکتب در پذیرش حجیت عقل در اصول دین، رویکرد آن‌ها به عقل از حیث روش‌شناسی، دامنه عملکرد و نسبت آن با وحی، تفاوت‌های معرفت‌شناختی بنیادینی دارد. عقلانیت امامیه، با سیر تاریخی از عقل اصولی - استنباطی به عقل فلسفی، سپس عقل معناشناختی - تفسیری و نهایتاً عقل تأسیسی - نظریه‌پرداز، الگویی

چندلایه و تکامل یافته از عقل‌ورزی دینی ارائه می‌دهد که نه تنها قابلیت دفاع از باورهای دینی، بلکه توان بازسازی مفاهیم وحیانی و تولید فلسفه دین اسلامی درون سنتی را داراست.

این الگوی عقلانی چهارسطحی، که در این مقاله صورت‌بندی شد، نشان می‌دهد که سنت امامیه واجد ظرفیت‌های لازم برای تأسیس فلسفه دین معناشناختی و تعامل با فلسفه دین معاصر است. عقل در این سنت، تنها ابزار تبیین و توجیه نیست، بلکه به مثابه عامل تولید معرفت، بازتعریف مفاهیم دینی و طراحی نظام معرفتی دین ایفای نقش می‌کند. این ویژگی، مکتب امامیه را از سنت‌های محافظه‌کارانه‌تری چون اشاعره و ماتریدیه ممتاز می‌سازد.

در نقطه مقابل، مکتب ماتریدیه با وجود پذیرش عقل در اصول، در سطح روش‌شناسی از چارچوبی اثبات‌گر، تفکیکی و تدافعی پیروی می‌کند. عقل در این مکتب عمدتاً به اثبات باورهای بنیادی و دفاع از آموزه‌های سنتی محدود شده و از ابزارهای لازم برای تحلیل زبان دین، بازسازی ساختار معرفتی یا نظریه‌پردازی مستقل در قلمرو فلسفه دین اسلامی برخوردار نیست. این عقل‌گرایی، هرچند در حوزه اثبات الهیات سنتی کارآمد است، اما در افق معناشناسی دین و پاسخ‌گویی به چالش‌های معرفتی نوپدید، ظرفیت محدودی دارد.

در نتیجه، می‌توان گفت که در فرآیند بازسازی و بومی‌سازی فلسفه دین اسلامی، عقلانیت امامیه قابلیت ایفا کردن نقش محوری و تأسیسی دارد، در حالی که عقلانیت ماتریدیه می‌تواند به عنوان سنتی مکمل در ساحت اثبات‌گرایی و دفاع عقلانی از ایمان دینی مدنظر قرار گیرد.

1. بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۲۳ق). الفرق بین الفرق. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
2. بهادری، مجید و معارفی، آتنا. (۱۳۹۱). علل الشرایع اثری وزین در مجموعه آثار شیخ صدوق. حسنا، ۴(۱۵).
3. بهشتی، احمد. (۱۳۸۲). فلسفه دین. تهران: بوستان کتاب.
4. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. (۱۳۹۹). فلسفه دین اسلامی ۲. بازیابی شده از <https://iict.ac.ir/1399/11/falsafeh-din-2>
5. تفتازانی، سعدالدین. (بی تا). شرح العقائد النسفیة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
6. جبرئیلی، محمدصفر. (۱۳۸۴). کلام شیعی؛ مراحل و ادوار تاریخی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
7. جحلی، سیدلایف الله. (۱۳۸۶). تاریخ و عقاید ماتریدیة. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
8. جوادى آملی، عبدالله. (بی تا). دین شناسی. قم: نشر اسراء.
9. حربی، احمد بن عوض. (۱۴۱۳ق). الماتریدیة دراسة و تقویماً. ریاض: دار الصمیعی.
10. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۷۹). کلام جدید. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
11. رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۹). فلسفه دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
12. رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). چیستی فلسفه دین و مسائل آن. قبسات، ۶(۲۲).
13. رشاد، علی اکبر. (۱۳۹۱). فلسفه دین: درآمدی بر هندسه، روش و مسائل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
14. رضایی، محمد. (۱۳۸۵). فلسفه دین. تهران: سازمان سمت.
15. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۴ق). قاضی عبدالجبار. بیروت: دارالتراث.
16. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۲). فربه تر از ایدئولوژی. تهران: صراط.
17. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۱ق). الذخیره فی علم الکلام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
18. شهرستانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۴). الملل و النحل. تهران: مکتبه الرضی.
19. صدر، محمدباقر. (۱۳۹۵). المعالم الجديدة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
20. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۰). علل الشرایع. تهران: مکتبه الصدوق.
21. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم (با تعلیقات مرتضی مطهری). قم: انتشارات صدرا.
22. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
23. طوسی، نصیرالدین. (۱۳۵۹). تجرید الاعتقاد. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

24. طوسی، نصیرالدین. (۱۳۵۹). تلخیص المحصل و تجرید الاعتقاد (تلخیص و تعلیق عبدالله نورانی). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
25. عبدالجبار، قاضی. (۱۴۲۲ق). شرح الأصول الخمسة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
26. فیروزجایی، رمضان علی تبار. (۱۳۹۰). ماهیت فلسفه دین و تفاوت آن با کلام و الهیات. قیسات، ۱۶(۱).
27. قاضی عبدالجبار. (۱۳۸۶). شرح الأصول الخمسة (ترجمه و تحقیق محمد خراسانی). قم: بوستان کتاب.
28. قراملکی، احد فرامرزی. (۱۳۷۵). توضیحی پیرامون تمایز کلام جدید و فلسفه دین. قیسات، ۲.
29. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
30. لامشی، ابوالثناء. (۱۳۸۶). التمهید لقواعد التوحید. قاهره: دار الثقافه.
31. ماتریدی، ابومنصور. (۱۴۲۵ق). تأویلات أهل السنه (تحقیق فاطمه الخیمی). بیروت: دارالجماعات.
32. ماتریدی، ابومنصور. (۱۴۲۷ق). التوحید (تحقیق فتح الله خلیف). ریاض: مکتبه الرشد.
33. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰). فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
34. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار، ج ۶. تهران: صدرا.
35. ملاهری، مرتضی. (۱۳۶۹). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: سمت.
36. نسفی، ابوالبرکات. (بی تا). تبصره الأدله. بیروت: دار المعارف.
37. نصر، سید حسین. (۱۳۷۱). معارف اسلامی در جهان معاصر. تهران: شرکت انتشار.
38. نصر، سید حسین. (۱۳۹۰). سنت عقلانی در اسلام (ترجمه انشاءالله رحمتی). تهران: حکمت.
39. Plantinga, A. (2000). Warranted Christian Belief. Oxford: Oxford University Press.
40. Swinburne, R. (2005). Faith and Reason. Oxford: Clarendon Press.

References

1. Baghdadi, A. Q. (2002). *Al-Farq Bayn al-Firaq*. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadida. (in Persian)
2. Bahadori, M., & Ma'arafi, A. (2012). "'Illal al-Shara'i: A Noble Work among Sheikh Saduq's Writings." *Hasana*, 4(15). (in Persian)
3. Beheshti, A. (2003). *Philosophy of Religion*. Tehran: Bustan-e Ketab. (in Persian)
4. Firoozjai, R. A. T. (2011). "The Nature of Philosophy of Religion and Its Difference from Theology." *Qabasat*, 16(1). (in Persian)
5. Harbi, A. b. 'A. (1992). *The Maturidiyyah: Study and Evaluation*. Riyadh: Dar al-Sumay'i. (in Persian)
6. Institute for Islamic Culture and Thought. (2021). *Islamic Philosophy of Religion 2*. Retrieved from <https://iict.ac.ir/1399/11/falsafeh-din-2> (in Persian)
7. Jabra'ili, M. S. (2005). *Shi'ite Theology: Historical Phases and Stages*. Tehran: IICT. (in Persian)
8. Jahli, S. L. (2007). *History and Doctrines of the Maturidiyyah*. Qom: Center for Studies of Religions and Sects. (in Persian)
9. Javadi Amoli, A. (n.d.). *Religiology*. Qom: Nashr-e Isra'. (in Persian)
10. Khosropanah, A. (2000). *New Kalām*. Qom: IICT. (in Persian)
11. Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Persian)
12. Lamshi, A. al-Thana'. (2007). *Al-Tamhid li Qawa'id al-Tawhid*. Cairo: Dar al-Thaqafah. (in Persian)
13. Maturidi, A. M. (2004). *Ta'wilat Ahl al-Sunnah* (Ed. by F. al-Khaymi). Beirut: Dar al-Jama'at. (in Persian)
14. Maturidi, A. M. (2006). *Al-Tawhid* (Ed. by Fathallah Khalif). Riyadh: Maktabat al-Rushd. (in Persian)
15. Misbah Yazdi, M. T. (2011). *Philosophy of Ethics*. Qom: Imam Khomeini Educational & Research Institute. (in Persian)
16. Mollaheri, M. (1990). *Introduction to Islamic Sciences*. Tehran: SAMT. (in Persian)
17. Motahhari, M. (1999). *Collected Works*, Vol. 6. Tehran: Sadra. (in Persian)
18. Nasafi, A. al-Barakat. (n.d.). *Tabsirat al-Adillah*. Beirut: Dar al-Ma'arif. (in Persian)
19. Nasr, S. H. (1992). *Islamic Knowledge in the Contemporary World*. Tehran: Entesharat. (in Persian)
20. Nasr, S. H. (2011). *The Rational Tradition in Islam* (Trans. by I. Rahmati). Tehran: Hikmat. (in Persian)
21. Plantinga, A. (2000). *Warranted Christian Belief*. Oxford: Oxford University Press.
22. Qadi 'Abd al-Jabbar. (2001). *Sharh al-Usul al-Khamsah*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (in Persian)
23. Qadi 'Abd al-Jabbar. (2007). *Sharh al-Usul al-Khamsah* (Trans. & Ed. by M. Khorasani). Qom: Bustan-e Ketab. (in Persian)
24. Qaramaleki, A. F. (1996). "Explanation of the Distinction between New Kalām and Philosophy of Religion." *Qabasat*, 2. (in Persian)
25. Rashad, A. (2006). "What is the Philosophy of Religion and Its Issues?" *Qabasat*, 6(22). (in Persian)
26. Rashad, A. (2010). *Philosophy of Religion*. Tehran: IICT. (in Persian)
27. Rashad, A. (2012). *Philosophy of Religion: Introduction to Structure, Method, and Issues*. Tehran: IICT. (in Persian)
28. Reza'i, M. (2006). *Philosophy of Religion*. Tehran: SAMT. (in Persian)
29. Sadr, M. B. (2016). *New Landmarks*. Qom: Islamic Publishing Foundation. (in Persian)
30. Saduq, M. b. A. (2011). *'Illal al-Shara'i*. Tehran: Maktabat al-Saduq. (in Persian)
31. Sayyid Murtadha. (1990). *Al-Dhakirah fi 'Ilm al-Kalām*. Qom: Islamic Publishing Office. (in Persian)

32. Shahrastani, A. Q. (1985). Al-Milal wa al-Nihal. Tehran: Maktabat al-Ridha. (in Persian)
33. Soroush, A. (2003). More Plural than Ideology. Tehran: Serat. (in Persian)
34. Subhani, J. (1993). Qadi 'Abd al-Jabbar. Beirut: Dar al-Turath. (in Persian)
35. Tabataba'i, M. H. (1983). Al-Mizān fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Society of Seminary Teachers. (in Persian)
36. Tabataba'i, M. H. (2003). The Principles of Philosophy and the Method of Realism (with commentary by M. Motahhari). Qom: Sadra. (in Persian)
37. Taftazani, S. A. (n.d.). Sharh al-Aqa'id al-Nasafiyyah. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (in Persian)
38. Tusi, N. al-D. (1980). Tajrid al-I'tiqad. Tehran: Pocket Book Co. (in Persian)
39. Tusi, N. al-D. (1980). Talkhis al-Muhassil & Tajrid al-I'tiqad (Ed. by 'Abdullah Noorani). Tehran: Pocket Book Co. (in Persian)
40. Swinburne, R. (2005). Faith and Reason. Oxford: Clarendon Press.

مقاله
پدیدارشناسانه
ساده